

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوره مجازی تدبر در سوره‌های فهم قرآن دبستان، رمضان ۹۹، آقای دژبخش

سوره مبارکه زلزال، ۱۸ ماه مبارک رمضان

معرفی اجمالی سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (۱)

وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَنْقَالَهَا (۲)

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا (۳)

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (۴)

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا (۵)

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَلَهُمْ (۶)

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (۷)

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (۸)

سوره زلزال درباره یک زلزله صحبت می‌کند. یک زلزله ویژه زمین که بعد از آن شرایط زمین تغییر می‌کند. زمین

برای انسان که با آن انس داشته، ناشناخته می‌شود.

زمین سنگینی‌های خود را خارج می‌کند و انسان متعجب می‌شود از این اتفاقات.

زمین به خاطر وحی که خدا به آن می‌کند، اخبار را جز جز بیان می‌کند.

در این شرایط انسان‌ها از زمین بیرون می‌آیند برای اینکه اعمالشان به آن‌ها نشان داده شود یعنی همه این اتفاقات مقدمه‌ای برای خروج انسان‌هاست تا اعمالشان به آن‌ها نشان داده شود.

آدمها اعمالشان در دنیا هر قدر از خیر یا شر بهره داشته باشند، آن را می‌بینند حتی اگر به وزن یک گردو غبار باشد.

مثقال یعنی به سنگینی، ذره یعنی یک دانه غبار

سوره می‌خواهد به ما بگوید زمین همه اعمال ما را ریز به ریز ثبت می‌کند و یک روز زلزله‌ای می‌آید که انسان و اعمالش خارج می‌شود و این اعمال هر قدر هم که کوچک باشد، به انسان نشان داده می‌شود و زمین اخبار را بیان می‌کند.

سوره زلزال می‌خواهد ما به ریز ریز اعمال خیر و شرمان توجه کنیم و حواسمان به زمین به عنوان ثبت کننده اعمالمان باشد. بدانیم که اعمالمان را یک روز به ما برمی‌گردانند و آن‌ها را می‌بینیم.

ارائه سوره برای بچه‌های دبستان

برای بچه دبستانی به موضوع زلزله و حوادث هول انگیز آن اشاره نمی‌کنیم. غرض سوره را بیان می‌کنیم. بچه‌های دبستانی باید یاد بگیرند برخی کارها شر و برخی خیر است. انسان‌ها باید بدانند خیر چیست و آن را انجام دهند. برای انجام خیر باید موانع آن را برطرف کنند و به ریز ریز کارهایشان توجه کنند. اگر بچه‌ها به واسطه سوره زلزال خیر گزین شدند و کارهای خیر حتی اگر کوچک باشند را یاد بگیرند، مفهوم سوره زلزال در سطح خودشان را یاد گرفته‌اند.

تدبر در سوره

ساختار کلی سوره با ادا شروع می‌شود. سوره نصر هم همینگونه بود. موقعیتی را ترسیم می‌کند و می‌گوید هنگامی که فلان اتفاق افتاد، فلان اتفاقات در پی آن می‌افتد. در سوره، دو تا یومئذ دارد، یعنی آن موقع. هنگامی که یک سری رخدادها اتفاق می‌افتد آن موقع اینطوری می‌شود، آن موقع اینطوری می‌شود بعدش هم در پایان سوره قانونی کلی مطرح می‌شود. در پایان سوره نصر هم قانون کلی مطرح می‌شد.

سوره‌هایی که با ادا شروع می‌شوند موقعیتی را ترسیم می‌کنند و موقعیتی که این سوره ترسیم می‌کند، موقعیت زلزله است؛

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زُلْزَالَهَا

زلزلت یعنی لرزیده شود. زلزله‌ها، مفعول مطلق است، یعنی زلزله خاص خودش.

هنگامی که زمین لرزیده شود با زلزله‌ای خاص، متناسب و ویژه خود زمین.

ارض فقط به معنی کره زمین نیست، به معنای یک بستر است؛ موقعیتی برای رشد و تحول و تکاپو است. بالای هر ارضی، یک سماء است که بارش‌ها از آنجا می‌آید، رزق از آنجا می‌آید، نور از آنجا می‌آید. افق بالای سر هست که رشد به آن سمت است.

ارض، زیر پا هست، بستر رشد است، ریشه در ارض است. پا روی زمین سفت می‌توان گذاشت. هر موقعیتی ارض و سماء خودش را دارد؛ یک بستر رشد و محل رزق و روزی متناسب با خودش را دارد. به همین نسبت هم هر ارضی، زلزله خاص خودش را دارد. زلزله ارض وجود ما متناسب با خودش است. رحم مادر برای جنین یک ارض است که دارای زلزله‌ای هست که منجر به تولد بچه می‌شود.

کره زمین یکی از مصادیق بارز و روشن ارض است.

وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا

دوباره زمین مطرح می‌شود.

اثقال واژه ای جمع است و مفرد آن می‌تواند ثقل باشد، می‌تواند ثقل باشد. معانی مختلفی می‌تواند باشد، بسته به اینکه مفرد آن چه باشد، می‌تواند اسباب، وسایل خانه یا سنگینی معنا دهد. زمین اثقال خودش را یا سنگینی‌های خود را خارج می‌کند. در نگاه اول ممکن است به ذهن بیاید که سنگینهای زمین، مواد مذاب زیر زمین باشند که هسته زمین را پوشانده‌اند. در سوره انشقاق داریم وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ، همچنین بیانی هم در قرآن داریم که زمین آنچه در درون دارد بیرون می‌ریزد و خالی می‌شود. در این سوره گفته سنگینی‌هایش را خارج می‌کند.

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا

مالها ممکن است استفهامی باشد یعنی انسان می‌گوید چی اش شد؟ این اتفاقی که برای زمین می‌افتاده ناشناخته بوده است. متعجب می‌شود. این تعجب را اینگونه ابراز می‌کند که می‌پرسد چی شده؟ چه اتفاقی برای زمین افتاده؟ در سوره ابراهیم داریم يَوْمَ تَبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ، یک روز زمین به چیز دیگری تبدیل می‌شود. به نظر می‌آید اینجا هم همین اتفاق دارد می‌افتد. این زمین یک زمین دیگر است. زمین اول همین زمین است که یک زلزله‌ای برایش اتفاق می‌افتد، در آیه دوم این یک زمین دیگر است. زمین دگرگون شده، همه اثقال خود را خارج می‌کند و انسان را متعجب می‌کند.

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا

یومئذ، در این موقعیت است که زمین اخبار خود را تحدیث می‌کند و به حدیث درمی‌آورد؛ در حدت و حدیث، جنبه نو بودن مطرح است؛ گویی این اخبار تاکنون این گونه و به این شکل مطرح نشده بوده است.

اخبار جمع خبر است که توجه به جزئیات موضوعیت دارد. در این حال زمین، همه اتفاقاتی که روی آن افتاده را به صورت ریز به ریز بازگو می‌کند، این اتفاق هیچ وقت قبلاً نیفتاده بود.

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا

اگر سوال پیش بیاید که چگونه همچین اتفاقی افتاد؟ در این آیه می‌فرماید دلیل این امر این است که پروردگار تو به زمین چنین وحی می‌کند. جالب است که به زمین هم وحی می‌شود. اخبار از هبوط حضرت آدم (ع) تا اتفاقاتی که برای همه انبیا افتاده و همه انسان‌هایی که آمده‌اند و رفته‌اند را بیان می‌کند. خود ما هم اخباری داریم و با جزئیات بیان می‌شود.

این دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم همچین ظرفیتی ندارد که این اتفاق در آن بیفتد. روز قیامت بستری مهیا می‌شود که چنین ظرفیتی در زمین ایجاد می‌شود.

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيرَوْا أَعْمَالَهُمْ

بعد می‌فرماید در آن روز مردم به صورت متشتت و پراکنده، صادر و خارج می‌شوند؛ همه انسان‌ها از زمین بیرون می‌روند.

در ناس بحث انس و ارتباط انسان‌ها با هم موضوعیت دارد اما این ناس با همه این انس و ارتباط، انسان‌ها پراکنده از هم خارج می‌شوند. در سوره قارعه هم گفتیم که یوم یكون الناس كالفرش المبثوث، این ناس به صورت شاپرک‌های پراکنده می‌شوند.

چرا انسان‌ها از زمین خارج می‌شوند؟ برای اینکه اعمالشان به آن‌ها ارائه بشود.

لیروا باب افعال رویت است، ارائه، مجهول مضارع آمده است. اعمالشان به آن‌ها نشان داده شود. مقصد این بیرون آمدن از زمین این است که اعمالشان به آن‌ها نشان داده شود.

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ

تا اینجا فضای قیامت با سطحی ترسیم شد تا یک انداز اتفاق بیافتد. زلزله، خروج ائفال، بهت و حیرت انسان، تحدیث اخبار و وحی الهی و خروج انس آن‌ها برای رویت اعمالشان. حالا دوربین برمی‌گردد به زمین حال ما چون عمل مال این دنیا است.

دیدید وقتی نور به هوا می‌خورد، یکسری ذرات دیده می‌شود؟ هر یک دانه از آن‌ها که نمی‌توانید با دستتان بگیرید و ۱۰۰ تای آن هم وزنی ندارد، به هر یک دانه آن غبار و ذره می‌گویند. مثقال از ثقل است یعنی سنگینی. مثقال به وسیله اندازه‌گیری سنگینی می‌گویند مانند میزان که در سوره قارعه آمده و میزان، وسیله اندازه‌گیری وزن است، مثقال وسیله اندازه‌گیری ثقل است. وزن مثبت است، ولی ثقل خنثی است، هم در موارد مثبت و هم منفی استفاده می‌شود.

پس هرکس در اعمالش به سنگینی یک گرد، یک غبار عمل خیر وجود داشته باشد، آن را می‌بیند و هرکس عمل شری انجام می‌دهد ولو به سنگینی یک ذره، آن را می‌بیند و در رویتش قرار می‌گیرد.

دو امر در این سوره قابل توجه است؛

- ۱- یکی همین زمین زیر پایمان است که زنده است. اعمال ما را می‌بیند و با جزئیات ثبت می‌کند.
- ۲- عمل انسان و جزئیات اعمال انسان. در سوره لقمان مثقال حبه من خردل آمده، خردل یک دانه ریز است. بالاخره یک سنگینی برای آن قابل تصور است ولی خدا که مبالغه نمی‌کند، حقایق را مطرح می‌کند. مثقال ذره یعنی عمل به سنگینی یک غبار. حتی پلک زدن، چشم گرداندن، مکث کردن، لبخند زدن اینها می‌تواند خیر یا شر باشد. خود عمل را می‌بیند که خیر است یا شر.

سوره زلزال دقت آدم را روی اعمالش زیاد می‌کند که خیر است یا شر. گاهی یک لبخند گوشه لب، عمل خیری هست که می‌بیند. حساب می‌شود. اگر انسان پر از اعمال بد باشد، یک عمل خیر کوچک هم انجام دهد، آنرا می‌بیند.

سوالات

✚ منظور از خبر چیست معمولا در مورد اطلاعات علمی گفته می‌شود؟

خبر یعنی آگاهی جزئی، مثلا خداوند خبیر است یعنی به صورت ثابت از جزئیات آگاه است. بحث جدید در تحدیث مطرح است که حدوث مطرح است. خبر، جدید است، اتفاق‌ها افتاده ولی بازگو شدن آن جدید است. مثلا فرض کنید واقعه عاشورا اتفاق افتاده و خبری هم به ما رسیده ولی در آن روز خبری که زمین به ما می‌دهد جدید است، کسی تا حالا اینجوری ما را با واقعه عاشورا مواجه نکرده است. فراتر از شنیدن ساده است، انگار با حقیقت خبر مواجه می‌شود و انگار رویت می‌کند.

✚ منظور از بیرون رفتن از زمین چیست؟ اجساد خارج می‌شوند؟ منظور از ائصال چیست؟

به طور کلی بیرون رفتن از زمین می‌تواند مصادیق مختلفی داشته باشد. در آیات دیگر داریم که اجساد خارج می‌شوند مثلا در سوره عادیات داشتیم که اذا بعثت ما فی القبور پس جسد یکی از این مصادیق می‌تواند باشد. می‌تواند تغییر بستر هم منظور باشد، یعنی در موقعیتی قرار داده می‌شوند که اعمالشان می‌تواند به آن‌ها نشان داده شود.

ائصال هم چیزهای مختلفی می‌تواند باشد. بسته به اینکه چه سطحی را در نظر می‌گیرید، از ثقل‌های مادی مثلا مواد مذاب می‌تواند باشد، یا می‌تواند آدم‌ها باشد، در مورد آدم‌ها هم سنگینی شان می‌تواند اعمالشان باشد. ضرورتی ندارد که ما یکی از این مصادیق را در نظر بگیریم مگر اینکه معصومین آن را بگویند که فقط این معنا را می‌دهد.

در تدبر معنای آیه را در نظر می‌گیریم که می‌تواند مصادیق مختلف داشته باشد. اگر خدا بخواهد چیزی را متعین کند، کلمه متعین بکار می‌برد. اثقال گفته، هر چیزی که بتوان ثقل در نظر گرفت. می‌توان گفت حوادث تاریخ ساز زمین مثل بعثت انبیا و یا عاشورا ثقل باشد.

✚ چگونه متوجه ریز ریز اعمالمان باشیم؟

منم نمی‌دانم ولی باید بی تفاوت نسبت به اعمال نباشیم. یلخی عمل نکنیم. ریز ریز جزئیات اعمال و رفتارمان مهم است. انسان حواسش به خودش جمع باشد، شاهدش فعال می‌شود و می‌تواند از بیرون خودش را ببیند و تقوایش ارتقا پیدا می‌کند و توجه‌اش سطحش بالاتر می‌رود. فعال شدن توجه، تمرینی است. توجه را تکرار کند تا پیوستگی پیدا کند. شروع خوبی است که انسان به جزئیات عملکردش توجه کند، نگوید یک پوزخند زدم دیگر، یک تکه آشغال انداختم دیگر.

✚ دیدن اعمال و سنجش آن را چگونه برای دانش آموزان مطرح می‌کنیم؟

این را بیان نمی‌کنیم. سوره زلزال یک فضایی را برای ما ترسیم می‌کند که ما ریز ریز اعمالمان را می‌بینیم و متوجه خیر و شر آن می‌شویم. برای چه این فضا را ترسیم می‌کند؟ برای اینکه حواسمان بر ریز ریز اعمالمان باشد. ما همین را در یک سیر متناسب با سنشان می‌گوییم. دیدن اعمال و قیامت را مطرح نمی‌کنیم. مثلاً خوب و بد، اندازه خوب و بد، معیار خوب و بد، موانع انجام کار خوب و بد، در پایه پنجم در مورد ریز ریز اعمال می‌توانیم صحبت کنیم آن هم از این جنبه که کارهای کوچک خوب را هم انجام دهیم باز بحث قیامت را به این شکل مطرح نمی‌کنیم. می‌شود اشاره کرد که هر قدر آدم کار خوب بکند، نتیجه اش را می‌بیند.

دیروز با خانواده در مورد برنامه کودک بخصوص برای دوره اول رشد که در تلویزیون تولید و پخش می‌شود گفتگو می‌کردیم اینکه مبانی و معیار بیان مطالبشان برای بیان به کودک چیست؟ مثلاً در برنامه کودک خیلی روی نظم تمرکز می‌کنند. تا ده سالگی نظم را نمی‌توان به آن شکل از بچه انتظار داشت. بعد عمو و خاله کلی نمایش بازی

می‌کنند که حسادت بد است. کی گفته که حسادت برای این سن بچه‌ها مطرح هست؟

و کی گفته این جنبه آموزشی دارد؟ و کی گفته اگر راجع به حسادت حرف بزنی و نشانش بدهی برطرف می‌شود؟ کی گفته باید به بچه بگویی لجبازی نکن؟ انگار منبع مشخصی وجود ندارد. آرزو می‌کردم ایکاش می‌شد یک جدول ساده از این که چه مطالبی برای کودک مناسب هست یا نیست یا در چه سطحی برای چه سنی قابل بیان هست، به صدا و سیما می‌دادیم و می‌پذیرفت و به عنوان دستور العمل به سازنده‌ها می‌داد.

قرآن این توان را دارد و می‌تواند این را به ما آموزش دهد. خیلی باشکوه است که در هر سوره، حقایقی هم برای خود ما دارد و هم در سطوح مختلف بچه‌ها دارد.

مطالبی که مربوط به قیامت است تا ده، یازده سالگی اصلاً نباید مطرح شود. در ده، یازده سالگی در حد طرح کلی مساله مطرح می‌کنیم، تمرکز نمی‌کنیم. فقط اشاره می‌کنیم یک آخرتی هست مثل اینکه کارنامه می‌گیریم، آدم‌ها برای عملکردشان یک روز کارنامه می‌گیرد.

با توجه به آیه وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ، تحدیث خبر زمین به خواست انسان مربوط

می‌شود؟

دقیق نمی‌دانم این آیه از آن آیه‌های خاص و سوال برانگیز است. روایتی هست که می‌گوید این انسان در این آیه، امیر المومنین (ع) است. یعنی حقیقت انسان رشد یافته کامل. انبیا که می‌گویند انا بشر مثلکم یوحی الی، به وحی الهی متصل هستند و تکلیفشان مشخص هست ولی غیر از انبیا بالاترین انسان که جان و نفس پیامبر (ص) شده، امام علی (ع) است یعنی حقیقت انسان

در قرآن سه کلمه آدم، انسان و بشر داریم. اینها هر کدام به وجهی از انسان اشاره می‌کند.

آدم مربوط به ادمیت انسان است. عَلِمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا، آدم یعنی حقیقت ملکوتی انسان، آن کسی که همه اسما به او تعلیم داده شده و در خودش نهفته دارد. بنی آدم، یعنی فرزندان آن حقیقت ملکوتی.

فهم قرآن

انسان منظور کسی که در حال رشد و تکامل است. برخی می‌گویند از ریشه انس است که انس در آن موضوعیت دارد و برخی می‌گویند از نسی هست که نسیان و فراموشی در آن موضوعیت دارد. به نظر می‌رسد که انسان حقیقتی هست متشکل از انس و نسیان که یک ضدیتی هم دارند. هم موجود انس ورز هست و هم فراموش کار. در قرآن از حیث در حال رشد و تکامل بودن از انسان نام می‌برد مثلاً اینکه ظلم جهول است ظرفیت برای رشد دارد و می‌تواند به سطوح بالاتر برسد.

بشر به ظاهر انسان توجه می‌شود. همین موجودی که سر و دست و پا دارد. انبیا نمی‌گویند انا انسان مثلکم چون مثلثیت انسانیتشان مثل ما نیست. انسانیتشان در یک سطح بالاتر از ماست. بشر مثلکم یعنی مثل ما در بازار راه می‌روند، طعام می‌خورند. دستگاه گوارش دارند، می‌خوابند و ساختار بدن ما را دارند. ولی همین ساختار متصل به وحی هستند.

انبیا بحثشان جدا است ولی انسان کامل امیرالمومنین (ع) است. امام علی (ع) در قیامت می‌گوید چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ انگار فضای آن روز را به برکت وجود امام علی (ع) درک می‌کنید.

خود سوره که مطلب را باز نکرده یعنی می‌شود چیزهای مختلف را در نظر گرفت. اگر نوع انسان باشد یعنی شرایط جدید زمین برای نوع انسان ناشناخته است و آن موقع زمین اخبارش را حدیث می‌کند. دقیقاً هم **يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا** جواب **وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا** نیست. شاید هم باشد. ما لها یعنی چه دارد در اصطلاح می‌گوید زمین را چه شده است. می‌توانیم اینطور هم بگوییم که انسان می‌گوید زمین چه دارد؟ زمین هم اخبارش را بازگو می‌کند. می‌تواند نگاه جالبی باشد.

مسئله این است که سوال وجود دارد که چه اش هست؟ چی با خودش دارد؟

و اینکه زمین اخبار خودش را دارد هم آیه بازگو می‌کند. باید در مورد ارتباطش فکر کرد.

✚ عمل می‌تواند از جنس فکر خوب یا بد هم باشد؟

یک ویژگی خاص عمل این است که از انسان خارج می‌شود. فکر انسان از آن جهت که در اختیار انسان هست و می‌تواند روی آن مدیریت داشته باشد، عمل نیست ولی از این جهت که فکری کرده و تمام شده، می‌توان به این معنا نسبت عمل داد ولی عمل بیشتر بروز دارد. شاید بشود به چیزی که از انسان صادر شده و دیگر نمی‌شود کاریش کرد هم نسبت عمل داد.

✚ معیار سطح هر پایه چگونه بدست آمده مثلا استاد فرموده بودند که حفظ قرآن مناسب نیست؟

ما هیچ وقت نگفتیم که حفظ قرآن برای سن دبستان خوب نیست. اتفاقا سن مناسبی برای حفظ قرآن هست. وادار کردن و به تکلف انداختن بچه‌ها برای حفظ در هیچ سنی خوب نیست. گفتم حفظ قرآن بهتر است از آموزش مفاهیم شروع شود و به حفظ برسد نه اینکه از حفظ به مفاهیم برسد. اوج حافظه در سنین وسط دبستان هست، خیلی فرصت مناسبی برای حفظ هست و لازم است حداقل سوره‌های جز ۳۰ را حفظ کنند.

اینکه حفظ کنند بدون اینکه از نظر مفهومی موضوعیت خاصی برایشان داشته باشد، اتفاق نیفتد و اینکه بچه به تکلف و سختی نیفتد. بچه‌ای را دیدیم که دوست دارد قرآن را بخواند. نکته‌ای از سوره در ذهن دارد، دوست دارد سوره را بخواند، سوره را تکرار کرده و حفظ شده است. حتی خوشش می‌آید حالا که اول دبستان هست و می‌تواند بخواند، آن سوره‌ای که حفظ کرده را روخوانی هم بکند. ولی اینکه مدرسه مطالبه کند و حالت امتحان و مقایسه بچه‌ها و تکلیف پیدا می‌کند، دیگر دوست داشتنی نیست یعنی گاهی نظام آموزشی یک تمایلات خوبی که در بچه‌ها وجود دارد را آسیب می‌زند. نباید به بچه‌ها تکلیف کرد که حفظ کنند باید بستر شادی فراهم کرد که سوره را بخوانند تا حفظ شود.

اهداف تربیتی هر پایه، در کانال چند فیلم گذاشته شد که توصیه کردم که ببینید. در آن‌ها مبانی مطرح شده که دوره‌های رشد از نظر قرآن چند تا هست و تعریف و مراتب رشد چی هست و اینکه دوره ابتدایی که مربوط به خیر گزینی هست و هر سال دبستان چه سطحی از خیر برای بچه‌ها ملموس و قابل درک هست. در علم روز که اکثرا

تجربی هست، یک عده کودک را مورد مشاهده قرار می‌دهند. برخی چیزها تجربی نیست. با تجربه نمی‌توانی بفهمی این حرف چه تاثیری روی بچه می‌گذارد. قرآن حقایق را مطرح کرده است. در مطالعات قرآنی حقایق بررسی می‌شوند اینکه چگونه بررسی می‌شوند بحث مفصل تدبر در قرآن است که ۵ ترم دوره عمومی دارد و حدود ۷ ترم دوره تخصصی دارد و ۸ کتاب تکمیلی دارد که افراد در مورد مطالعه قرآن و فهم نیازمندی‌های زندگی از قرآن تخصص پیدا می‌کنند، بعد نتایج حاصل از تحقیقات با روایات سنجیده می‌شود و مجموعه کاملی را ایجاد می‌کند. همانطور که احکام را از آیات و روایات استخراج می‌کنند، اهل فن همه حقایق را می‌توانند استخراج کنند. اهل فن هم از ما بهتران نیستند، هر کس که این مسیر را دنبال کند، قرآن بخواند و با روش‌های تدبر در قرآن آشنا باشد، می‌تواند این کار را بکند ولی به هر حال کار تخصصی است. به جای تجربه، می‌توانیم حکمت را از قرآن بگیریم و بعد این حکمت را در مشاهده کنیم همانطور که قرآن گفته بله اتفاقاً وقتی به بچه‌ها این را می‌گوییم بازخوردشان طوری هست که می‌فهمد و... در روانشناسی برخی رفتاری اند برخی شناختی اند و متغییرند. این مبنایش از قرآن و روایت است و شیوه مطالعاتی خاصی دارد.

دقتی که مطالعات قرآنی اگر روشمند باشد، به ما می‌دهد با هیچ کار علمی قابل مقایسه نیست. یک جدولی در کانال گذاشته شده که با دقت گفته در هر پایه ای در چه سطحی از بچه‌ها می‌توان توقع داشت.

اهداف تربیتی

سوره مبارکه زلزال سوره‌ای برای افزایش توجه به انتخاب‌ها و کارهای خوب کوچک

پایه اول

فعال شدن درک فطری از خوب و بد و خیر و شر به واسطه القاء مربی

در این پایه سوره را به گونه‌ای بیان می‌کنیم که بچه‌ها تمایز خوب و بد را بدانند؛ چون در اصل آن‌ها به شکل فطری خیر و شر را می‌دانند و ما فقط با القا این فهم فطری آن‌ها را فعال می‌کنیم. چون غرض سوره زلزال این است که آدمها به اعمال خیر و شر بیشتر دقت داشته باشند تا خیرگزین شوند. در پایه اول به بچه‌ها القاء می‌کنیم که می‌دانند خوب و بد چیست و این در آن‌ها فعال شود که به این توجه کنند که چه چیزهایی خوب و چه چیزهایی بد است.

پایه دوم

آشنایی با مقدار خوبی و بدی، خروج کارها از حالت خنثی، کم شدن شر و زیاد شدن خیر

اگر اولین باری است که دارند سوره زلزال را آموزش می‌بینند باید مطلب پایه اول را هم به آن‌ها منتقل کنیم. برای دومی‌ها در مورد مقدار و میزان خوب و بد صحبت می‌کنیم؛ یعنی کلاس دومی‌ها باید کم کم متوجه بشوند که کارها حالت خنثی ندارند؛ بلکه یا خیر هستند یا شر. به تدریج متوجه میزان کارهای خوب یا بدشان بشوند و به برکت سوره زلزال به مرور میزان کارهای خوبشان بیشتر و کارهای بدشان کمتر شود.

پایه سوم

شناخت خیر به عنوان انتخاب درست و اصلاح معیارها برای خیرگزین شدن

در پایه سوم چون بچه‌ها باید به سمت عمل سوق پیدا کنند و سوره زلزال می‌خواهد انسان‌ها به خیر توجه کنند و سمت خیرگزین شوند، اگر اولین باری است که دارند سوره زلزال را آموزش می‌بینند باید مطالب پایه‌های قبل را هم به آن‌ها منتقل کنیم. برای بچه‌های پایه سوم روی شناخت خیر و معیار پیدا کردن برای عمل خیر تمرکز می‌کنیم. خیر در واقع یک انتخاب درست است. حالت‌های مختلفی برای انجام یک عمل داریم اگر بهترین آن را انتخاب کنیم می‌شود خیر که البته باید به آن عمل کرد. برای این کار بچه‌ها باید معیار درست برای انتخاب خیر

داشته باشند. اینکه به بچه‌ها معیارهای درست را معرفی کنیم و به آن‌ها کمک کنیم که کارخیر و انتخاب بهتر را برگزینند سوره زلزال را به آن‌ها آموزش دادیم.

پایه چهارم

آسیب‌شناسی و رفع موانع خیرگزینی مانند نداشتن تفصیل کافی یا نداشتن معیار درست

اگر اولین باری است که دارند سوره زلزال را آموزش می‌بینند باید مطالب پایه‌های قبل را هم به آن‌ها منتقل کنیم. در این پایه باید به بچه‌ها کمک کنیم موانع خیرگزین بودن، خیرگزین شدن و موانعی که سر راه انتخاب خیر وجود دارد، شناسایی کنند و برطرف نمایند.

✓ شکل نگرفتن قدرت تفصیل در بچه‌ها یکی از این موانع است. برای اینکه انسان خیرگزین شود نیاز دارد که حالت‌های مختلف را ببیند و تفصیل داشته باشد. اول باید به آن‌ها نشان دهیم که تفصیل مهم است و نداشتن آن مانع انتخاب خیر هست، بعد به آن‌ها کمک کنیم بچه‌ها همه موضوعات را تفصیلی ببینند و حالت‌های مختلف یک مساله را در نظر بیاورند.

✓ یکی دیگر از موانع، نداشتن معیار درست است. اگر با ملاک غلط انتخاب کنند خب نمی‌توانند گزینه بهتر را انتخاب کنند.

✓ یکی دیگر از موانع، مقایسه‌های اشتباه است، ترجیح‌های غلط است. باید به بچه‌ها کمک کنیم این موانع را برطرف کنند و خیرگزین شوند و به این ترتیب سوره وارد زندگی شان بشود.

پایه پنجم

افزایش حساسیت نسبت به کوچکترین کارهای خیر و شر و ترغیب دیگران به خیر

اگر اولین باری است که دارند سوره زلزال را آموزش می‌بینند باید مطالب پایه‌های قبل را هم به آن‌ها منتقل کنیم. در آموزش سوره زلزال بچه‌های پنجم می‌توانیم آیات پایانی سوره زلزال را مورد توجه قرار دهیم البته روی ترجمه خود آیات تمرکز نمی‌کنیم. آن‌ها باید درک کنند که جزئیات اعمال هم مهم است. باید توجهشان نسبت به کارهای خوب یا بد ریز و کوچک، جلب شود و دیگران را هم به انجام کارهای خوب حتی اگر کوچک باشد، تشویق کنند. به این ترتیب سوره وارد زندگی شان شده است.

پایه ششم

شناسایی و انجام کارهای خیر گروهی حتی اگر خیلی کوچک باشند

اگر اولین باری است که دارند سوره زلزال را آموزش می‌بینند باید مطالب پایه‌های قبل را هم به آن‌ها منتقل کنیم. اگر بچه‌های پایه ششم به رشد کافی رسیده‌اند می‌توانیم آموزش را ادامه دهیم، به برکت این سوره بچه‌ها باید یاد بگیرند کارهای خیر گروهی انجام دهند حتی اگر کار خوب کوچکی باشد؛ یاد بگیرند یک جمع تشکیل دهند و یک کار خوب انجام دهند. در سوره‌های دیگر انتظار داریم کار خوب قابل توجه انجام دهند ولی اینجا همه با هم کمک کنند تا فقط یک کار کوچک انجام شود یا یک آسیب جزئی را برطرف نمایند تا بفهمند که کار کوچک هم مهم است؛ همچنین توجه داشته باشند که در گروه و در جمع خود، کارهای بد حتی بسیار کوچک را هم انجام ندهند. مثلاً ممکن است یکی از دوستانشان را سر کار بگذارند. باید به برکت سوره زلزال بفهمند که با اینکه کار کوچکی هست ولی بد هست و نباید انجام دهند. باید بفهمند نباید از توان جمعی شان استفاده کنند تا کار بدی انجام دهند ولو کوچک، بلکه باید از آن برای کارهای خوب استفاده کنند.

طراحی فعالیت

هدف از آموزش سوره زلزال به بچه‌ها این است که بچه‌ها نسبت به خوبی و بدی

حساس شوند و خوب را انتخاب کنند و بد را کنار بگذارند. بنابراین هر فعالیتی که در آن خوبی‌ها انتخاب شوند و بدی‌ها را کنار بگذارند مناسب ارائه این سوره می‌باشد. حالا شکل این خوب و بد نیست به پایه‌ها متفاوت می‌شود. در پایه اول فقط مواجهه‌ای هست. نسبت به کارهای خوب بله بگویند و به کارهای بد نه بگویند. در فعالیت‌های پر نشاطی به آن‌ها نشان دهیم که شما خوب و بد را می‌دانید. کارهایی که برایشان بدیهی هست را می‌گوییم، آن‌ها می‌گویند نه یا آره. از جنبه نه گفتن مانند سوره کافرون می‌شود و از جنبه اینکه خوب و بد را می‌شناسند سوره زلزال می‌شود.

در پایه دوم اینطوری می‌شود که کارهای خوب را اندازه بگیرند مثلا یک کار خنثی و معمولی را تبدیل به کار خوب بکنند. القا می‌کنیم که بچه‌ها که کار بد نمی‌کنند. بچه‌ها را به انجام کارهای خوب بیشتر ترغیب کنیم.

در پایه سوم بیشتر می‌توانیم با بچه‌ها صحبت کنیم. برای آن‌ها معیار داشتن را توضیح می‌دهیم. فعالیت‌هایی باید طراحی کنیم که بفهمند خیر یعنی بین حالت‌های مختلف بهترین گزینه را انتخاب کنند. باید به آن‌ها کمک کنیم تا بفهمند معیار بهترین چی هست؟ از کجا معلوم که کدام راه بهتر است؟ "من از قرآن این را می‌گویم، او می‌گوید من از یک بزرگتر شنیدم." اول خیر را برای آن‌ها تعریف کنیم و بعد معیارهایی به آن‌ها معرفی کنیم. در پایه‌های قبل فقط بحث خوبی و بدی کارهایی بود که به صورت فطری می‌فهمند، مطرح بود مثلا اذیت کردن مامان؟ نه نه نه. کمک کردن به دوستان؟ آره آره آره آره. در پایه سوم روی خوب و بدی بدیهی نمی‌بریم، نماز خواندن، کمک به مادر، مهربانی کردن که معلوم است خوب است. اینها را نمی‌پرسیم که کی گفته؟ چرا؟ بحث را می‌بریم روی چیزهایی که اختلافی هست از کجا می‌گویی این خوب هست؟ درست است که این خوب است ولی آن کار بهتری است. به آن‌ها ملاک دهیم تا با وسیله اندازه‌گیری، ملاک اولویت دهی باید خوب تر را انتخاب کنند.

در پایه چهارم فعالیت‌ها باید به بچه‌ها کمک کند تا آسیب شناسی کنند. همه فعالیت‌هایی که تفصیل بچه‌ها را در انتخاب بالا ببرد، مناسب آموزش سوره زلزال می‌باشد. وقتی یک نفر به ما اخم کرد ما چه برخوردی می‌توانیم

بکنیم؟ نمایش می‌توانند درست کنند تا بازی بسازند. از آن‌ها بپرسیم دیگر چی؟ به

آن‌ها می‌گوییم برای اینکه انسان بهترین حالت را انتخاب کند باید حالت‌های زیادی را بلد باشد. یکی از آسیب‌ها و موانع انتخاب بهتر این است که کسی راه‌ها زیادی بلد نباشد. مثلا اگر کسی به من اخم کند من یا بلدم داد بزنم یا بلدم اخم بکنم. بهترین کار ممکن است بین این راه‌ها نباشد. سپس معیار هم باید بدانند که باید براساس احکام الهی باشد. قدرت مقایسه کردن هم باید به آن‌ها یاد بدهیم تا اشتباه تشخیص ندهند.

در پایه پنجم توجه باید به سمت انجام کارهای کوچک برود. انواع فعالیت‌هایی که باید یک کار کوچک انجام بدهد یا ندهد. مثلا مداد دوستم از روی زمین برمی‌دارم، این کار کوچکی هست ولی بارزش هست. و کارهای کوچک که از کوچکی حتی ممکن است بد هم محسوب نشود ولی بد است. در پایه ششم فعالیتها مانند پایه پنجم است ولی در قالب فعالیت گروهی.

سوالات

✚ برای پایه سوم که جشن عبادت داریم، معیار خیر و شر همان قرآن و اهل بیت و والدین باید مطرح شود؟

اگر والدین بچه‌ای خوب نباشند چطور؟

برای همه بچه‌ها در همه سنین معیار خدا و پیامبر و دستورات الهی است. پدر و مادر از آن جهت معیار هستند چون حرف خدا را می‌زنند. حرف پدر و مادر را گوش می‌دهیم چون خدا از ما خواسته گوش بدهیم. خدا گفته اگر والدین خلاف حرف خدا، حرف زدند می‌توانید به حرفشان گوش ندهید منتها به آن‌ها خیلی احترام بگذارید و بروید از کسی که حرف خدا را می‌زند، حرف شنوی داشته باشید. ما در هیچ شرایطی حتی اگر خلاف خدا هم حرف بزنند، حق نداریم برخورد بد و نامهربان داشته باشیم. اصلا همچین حقی نداریم. حالا می‌شود این را آنقدر مستقیم به بچه‌ها نزنیم. می‌گوییم معیار حرف خداست. پدر و مادر هم حرف خدا را به ما می‌زنند. بچه‌ها خودشان

می‌فهمند که پدر و مادرشان حرف خدا را به آن‌ها می‌زنند یا نمی‌زنند، به آن‌ها القا شود که از کسی که حرف خدا را می‌زند، حرف شنوی داشته باشند.

نکته کلی که باید در نظر داشت این است که قرار گرفتن بچه‌ها در چارچوب خانواده یک مصونیت‌هایی برایشان ایجاد می‌کند. اگر بچه‌ها بفهمند معیار حرف خداست و از طرفی بفهمند که به هر حال باید به والدینشان احترام بگذارند در این صورت اتفاق خوبی می‌افتد. حتما نباید بگوییم که حرف شنوی از همه بزرگترها باید داشته باشید. خوب است که به بچه‌ها می‌گویی این کار را نکن. بگویند خدا گفته؟ بعد اگر خدا نگفته بود برویم ببینیم خدا چه گفته؟

✚ در پایه اول و دوم که والدین خوبی ندارند، خیر و شر را چگونه بیان می‌کنیم؟

خیر و شر فطری و بدیهی و انسانی را تمرکز می‌کنیم. همه می‌دانند که اذیت کردن کار بدی هست. درست است که ممکن است بچه‌ها ندانند موسیقی حرام یا بی‌حجابی بد است ولی می‌فهمند نیشگون گرفتن کار بدی است. بهتر است روی اینها تمرکز شود. با خود ارتقای سطح خوبی‌های فطری امید می‌رود که به سمت خوبی‌های شرعی هم سوق پیدا کنند.

✚ اینکه معیارهای جامعه ممکن است بد و شر باشد را با چه بیانی به بچه‌ها بگوییم؟ مثلاً بچه‌های پایه سوم

که تمایل به بی‌حجابی و آرایش دارند معیارشان تلویزیون و اطرافیان بدحجاب است.

قبلاً گفتیم که اگر بچه‌ای آسیب دیده و مشکل بزرگی دارد نیاز به درمان دارد و به بررسی تخصصی نیاز هست ولی به طور کلی بچه‌های سومی پیچیدگی زیادی ندارند. اگر القای قوی به آن‌ها بشود، پیچیدگی ندارند. درست است که ممکن است آلودگی‌های محیطی داشته باشند ولی فطرت‌ها پاک است، زنگارهایی که نشود آن‌ها را کند وجود ندارد. خدای مهربان که راه‌های خوشحالی ما را می‌داند دستوراتی به ما داده که اگر آن‌ها را رعایت نکنیم، بیشتر

باعث خوشحالیمان می‌شود. القای پشت این حرف مهم‌تر از بیانش هست. درمورد

پسرهای ۱۷ و ۱۸ ساله تجربه کرده‌ام که القا از همه آموزش‌ها قوی‌تر است. برای دختر بچه سوم دبستان که حتما همین است. اگر معلم به این اعتقاد داشته باشد خوب القا می‌کند. اگر گفتیم و تاثیر نداشت هم نداشته دیگر، هدایت دست خداست، بچه خدا دارد. باید برایش دعا کنیم.

بحث و جدل نباید بکنیم. استدلالی حرف جلو نمی‌رود. به عنوان بدیهی بیان می‌کنیم. من که دوست دارم و مهربان هستم با استحکام ولی نرم مطلب را به دانش آموز منتقل می‌کنم اگر نشد خدا کمک می‌کند.

✚ وظیفه مربی که با خانواده‌هایی که مریض هستند یا اعتیاد دارند را بیشتر توضیح دهید.

نمی‌دانم. این سوال در فضای بحث ما نمی‌گنجد. آدم باید بررسی کند که شرعا چه مسوولیتی دارد. خدا به اندازه وسع آدم‌ها تکلیف می‌خواهد. بستگی به موقعیت دارد: گاهی هیچ کاری نباید بکند چون بدتر می‌شود، گاهی یک اقدام ساده‌ای باید بکند، ممکن است اقدام جدی نیاز باشد و... نمی‌توان یک نسخه کلی داد.

✚ معمولا اعمال بدون در نظر گرفتن معیار و موقعیت، خیر یا شر نیستند مثلا قرآن خواندن زمانی که والدین

به آن‌ها نیاز دارند را چگونه به بچه‌ها بیان کنیم؟

خود این معیار است. معیار یعنی اولویت‌ها معلوم شود. بعضی کارها واجبند حتما باید انجام شوند مثلا نماز واجب است. این نماز واجب را اگر مادرم بگویم نخوان ضمن احترام به مادر نمی‌توانم نخوانم ولو شده یواشکی بخوانم ولی قرآن خواندن مستحب است، اگر مادرم صدایم کرد نمی‌توانم بگویم مامان کار دارم. خواسته مامان به قرآن خواندن اولویت دارد. اینکه چی به چی ترجیح دهند، معیار دادن است.

✚ در پایه اول درک فطری شان به خوب و بد را چگونه فعال کنیم؟

آن‌ها را مواجه می‌کنیم. القا خیلی موثر است. ما می‌دانیم که آن‌ها به صورت فطری خوب و بد را می‌دانند به صورت بدیهی آن‌را مطرح می‌کنیم. حتماً با بچه‌هایی مواجه شدید که کارهای بدی که از نظر خانواده شان خوب بوده را دوست نداشتند. می‌شود فطرتشان را بیدار کرد تا خوب و بد کارهای مورد نظر ما را بفهمند.

✚ آیا تفصیل، پی بردن به عاقبت حالت‌های مختلف هست؟

نه. تفصیل حالت‌های مختلف مدنظر داشتن است. ایده‌های مختلف برای یک کار داشته باشد. چگونه می‌توان از کلاس برویم بیرون؟ بدویم، بپیریم، سینه خیز برویم، از پنجره بپريم بیرون، دیوار را سوراخ کنیم، سقف را سوراخ کنیم با هلی کوپتر برویم. ممکن است در کلاس باشیم ولی توجهمان از کلاس برود بیرون، با روحمان برویم زیارت امام رضا (ع). تفصیل یعنی حالت‌های مختلف دیدن. انواعی دارد در کتاب فرآیندشناسی خیر ۱۱ نوع تفصیل معرفی کرده است. در مرحله بعد براساس یک معیار می‌توانیم آن‌ها را اولیت بندی کنیم. بهترینی که می‌توانیم انجام دهیم می‌شود خیر.

✚ آیا اولویت دهی را از پایه اول می‌شود آموزش داد؟

ضرورتی ندارد. برای پایه سوم بهتر است. بچه‌های پایه اول باید جیغ بزنند، بالا و پایین بپرند. باید بیشتر با مسائل مواجه شوند. با انواع اولویت‌ها و حالت‌ها می‌توانیم مواجهشان کنند، البته به آن‌ها نمی‌گوییم این اولویت هست. در پایه دوم تنوع مواجهه‌ها را باید ببینند. این چیزی که اتفاق افتاد، اینجوری و اینجوری و اینجوری هم می‌توانست اتفاق بیفتد.

✚ آیا می‌توانیم فعالیت‌ها را با سوره ناس تلفیق کنیم. کار کوچک را سریع انجام دهند؟

فهم قرآن

بله شدنش که می شود به شرطی که اختلال در آموزش سوره ایجاد نکند. ما می خواهیم

سوره را در یک مدتی آموزش ببینند و بعد آن سوره را آنقدر بشنوند و تکرار بکنند که حفظشان بشود. می خواهیم این اتفاق بیفتد. ولی می شود در فعالیتها به سوره ناس هم اشاره کنیم که یادتان هست سوره ناس به ما می گفت کارهای خوب را زود انجام بدهید؟ همیشه خوب است به سوره های قبلی اشاره کنیم و کنارشان نگذاریم.

به عنوان تکلیف می توانیم از بچه ها بخواهیم که معیارهای خوب و بد از اطرافیان را بگویند یا مقایسه

کردن و نتیجه گرفتن هنوز برایشان زود است؟

کار جالبی نیست. برای سومها زود است این خلاف سوره همزه است. نباید از کسی ایراد بگیرند ولی نکته ای که هست این است که در فهم قرآن نباید به بچه ها تکلیف تکلف آور بدهیم. باید با علاقه به سراغ فعالیت برود. با نمره و اینها نباید به کسی تکلیف بدهیم.

ان شاء الله که از امشب بهترین بهره ها را ببریم.

اللهم صل علی محمد وال محمد وعجل فرجهم